

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید اسکابادی، شهید شیرودی، شهیدرستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهیدرجایی

## محلات منطقه‌ها

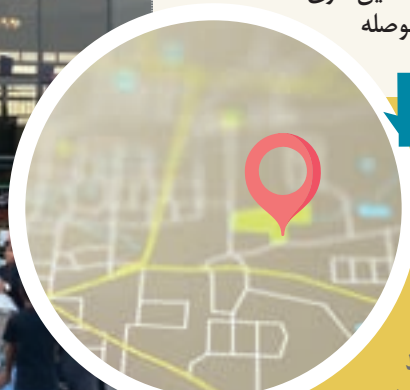
مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



پیش از شروع مراسم، بچه‌ها با شور و هیجان مشغول آماده کردن حیاط بودند. بعضی از دخترها صندلی‌ها را ردیف به ردیف کنار هم می‌چیدند و سعی می‌کردند فضا را برای حضور مهمان‌ها مرتب و منظم کنند. چند نفر دیگر هم پرچم عاشورایی را که روزهای قبل در کارگاه خوش‌نویسی مدرسه آماده کرده بودند، بادقت و ذوق وسط حیاط برپا کردند.



در آشپزخانه کوچک مدرسه، حال و هوای دیگری جریان داشت. باران سیدآبادی همراه چند نفر از دوستانش برای پخت شله زرد نذری دست به کار شده بودند. او نقش اصلی را در پخت این نذری داشت. از صبح زود به مدرسه آمده و بادقت و حوصله پای پخت شله زرد ایستاده بود.



دومین سال مراسم عاشورا در مدرسه «المهدی نوین» برگزاری شد

## به میزبانی بچه‌های عاشورایی

نیکو عقیده | دبستان «المهدی نوین». امسال برای دومین سال پیاپی، مراسم محرمی را در حیاط مدرسه برگزار کرد؛ جایی که نه فقط خانواده‌های دانش‌آموزان، بلکه اهالی محله هم دعوت بودند تا کنار هم روایت‌های عاشورا را بشنوند و معنای صبر و ایستادگی را مرور کنند. اما تفاوتش با سال گذشته در این بود که بچه‌های مدرسه، خودشان، بخش مهمی از مراسم را بر عهده گرفتند. هر کدام در گوشه‌ای از برنامه، فعالانه حضور داشتند؛ از اجرای بخش‌های مختلف گرفته تا کمک در پذیرایی و نظم‌دهی مراسم. این برنامه، فرصتی برای نوجوانان بود که معنای کار گروهی، مسئولیت‌پذیری و همراهی در یک کار معنوی را از نزدیک لمس کنند و در دل یک فضای صمیمی، نقش‌آفرین باشند.



در حسینیه یادگیری المهدی نوین، بچه‌ها سعی کردند با نقاشی، تصویری از عاشورا روی کاغذ بیاورند. فاطمه لسانی، دانش‌آموز کلاس پنجم، یکی از همین بچه‌ها بود که روایت عاشورا را با داستان خودش به تصویر کشید و قصه‌ای از ایستادگی را روی کاغذ نشان داد.



بچه‌ها در حسینیه یادگیری المهدی نوین، مهربانی را تمرین کردند؛ این بار نه فقط با حرف، بلکه در عمل. یکتا رضایی، دانش‌آموز کلاس چهارم، نقش «سقا» را داشت؛ دختری که با دلسوزی و دقت، برای دوستانش آب می‌برد و تشنگی‌شان را برطرف می‌کرد.

عکس: نیکو عقیده / شهرآرا